

**Economic-Jurisprudential Dimensions of the Phenomenon of Money
Creation from the Perspective of Islamic Banking**

Mahmood Akbari*
Seyyed Mahdi Hashemifar**
Reza Karimi Vardanjani***
Mohammad Reza Simiari****

Received: 31/03/2020
Accepted: 25/06/2020

Abstract

Money creation is naturally one of the Effects of the conventional banking system. Is the creation of money by the Islamic banking system legitimate in the Islamic economy? In today's economy, the share of bank money in the whole of the money in circulation is a novel and well-considered subject. Hearing the fact that most of the money is in the creaking economy of the banking system and not the central bank is probably shocking and perhaps unbelievable to the general public. In this study, the nature of money creation is explained first, and its types include money creation by the central bank, commercial banks and the people. Then the consequences and the potential positive and negative economic consequences of it are mentioned. Investigating the creation of money from an Islamic perspective begins with a review of Islamic scholars on the subject, and then it is referred to as the Ghasb and the rules of La'Zarar, akule mal br batel, ehteram male muslim, Etlaf and Eghdam. It seems that the very nature of money creation in the banking system is not Ghasb and seems to be impossibly general rules, although it can have positive effects, such as double-edged razor, and if it is accompanied by inadequate conditions, structure, regulation and supervision. As a result, money creation must be accompanied by sound policymaking, regulation and Supervision. Islamic economics guidelines, including the criteria for «Hagh», «Ghavam», «Omran» and «Kanz», outline the criteria for authorizing money creation.

Keywords

Bank, Islamic Banking, Money Creation, Bank Deposit, Islamic Finance.

* Assistant Professor of the Department of Law, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran, m.akbari@abru.ac.ir

** Master Student of Islamic Education and Financial Management, Imam Sadiq(A.S) University, Tehran, Iran (Corresponding Author), sm.hashemifar74@gmail.com

*** PhD Student in Financial Management, Imam Sadiq(A.S) University, Tehran, Iran, reza.karimi@isu.ac.ir

**** PhD Student in Financial Management, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran m_simiari@sbu.ac.ir

ابعاد اقتصادی - فقهی پدیده خلق پول از منظر بانکداری اسلامی

محمود اکبری*

سید مهدی هاشمی فر**

رضا کریمی وردجانی***

محمد رضا سیمیاری****

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۵

چکیده

خلق پول به طور طبیعی یکی از آثار و لوازم نظام بانکی متعارف است. شنیدن این واقعیت که عمده پول در اقتصاد مخلوق سیستم بانکی و نه دولت (بانک مرکزی) است، احتمالاً برای عموم مردم شوکه کننده و شاید باورناپذیر است. مسئله اصلی در این موضوع آن است که آیا خلق پول توسط نظام بانکی اسلامی در اقتصاد اسلامی مشروعیت دارد یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال، در ابتدا ماهیت خلق پول تبیین شده و انواع آن شامل خلق پول توسط بانک مرکزی، بانک‌های تجاری و مردم بیان می‌شود. سپس پیامدها و آثار بالقوه مثبت و منفی اقتصادی ناشی از آن ذکر می‌شود. بررسی خلق پول از منظر اسلامی، با مرور نظر اندیشمندان اسلامی پیرامون این موضوع آغاز شده و سپس این موضوع تحت عنوان غضب و قاعده‌های لا ضرر، اکل مال به باطل، احترام مال مسلم، اتلاف و اقدام بررسی فقهی می‌شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد نفس خلق پول طبیعی در نظام بانکی، غضب نیست و بر اساس قواعد عمومی بی‌اشکال به نظر می‌رسد؛ هرچند مانند تیغی دو لبه می‌تواند آثار مثبت داشته باشد و اگر با شرایط، ساختار، تنظیم‌گری و نظارت نامناسب همراه شود، باعث ضرر خواهد بود. لذا خلق پول باید با سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و نظارت صحیح همراه باشد. خطوط راهنمای اقتصاد اسلامی شامل معیار حق، قوام، عمران و آبادانی و ممنوعیت کنز، ضوابطی برای جواز خلق پول ترسیم می‌کنند.

واژگان کلیدی

بانک، بانکداری اسلامی، خلق پول، سپرده بانکی، مالی اسلامی.

* استادیار گروه آموزشی حقوق، دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی، بروجرد، ایران m.akbari@abru.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول) sm.hashemifar74@gmail.com

*** دانشجوی دکتری مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران reza.karimi@isu.ac.ir

**** دانشجوی دکتری مدیریت مالی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران m_simiari@sbu.ac.ir

مقدمه

زندگی مردم و نظام سازی اقتصادی، بسیار با بانک و واسطه‌های مالی در آمیخته است. نظام بانکی، از مهم‌ترین و محوری‌ترین مباحث نظام پولی اسلامی و بالطبع اقتصاد اسلامی است. طرح جامع اقتصاد اسلامی مستلزم تعیین نقش بهینه بانک و واسطه‌های اسلامی منطبق با موازین شرع و آموزه‌های اقتصاد اسلامی است.

از مهم‌ترین مسائل کنونی و به‌نوعی ریشه سایر مسائل اقتصادی، دو موضوع ربا و خلق پول است؛ اما رویکرد مطالعات اقتصاد و مالی اسلامی، بیشتر پیرامون ربا و قراردادهای ربوی بوده و درباره خلق پول، فحوص و بحث کمتری شده است. پول یکی از پیچیده‌ترین پدیده‌های اقتصادی است. این پدیده اقتصادی-اجتماعی در زندگی روزمره استفاده زیادی دارد، به‌گونه‌ای که تصور اقتصاد امروزی بدون پول ممکن نیست. پول از دیرباز یکی از مفاهیم مورد مناقشه بین اقتصاددانان و حتی جامعه‌شناسان بوده است. از آنجایی که امروزه پول واسطه بین اغلب و به عبارت بهتر تمامی مبادلات و معاملات در سراسر دنیا است، پرداختن به پول و آثار آن ضروری است. یکی از موضوعات مهم و اساسی پیرامون پول، خلق پول است. شاید بتوان خلق پول را معجزه بانکداری نوین نام نهاد (موسویان و میثمی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص. ۲۲). علاوه بر این، یکی از مهم‌ترین بخش‌های بانک نیز گردش پول و نظام پولی و نحوه خلق پول در اقتصاد است. خلق پول یا خلق اعتبار عبارت است از فرآیندی که عرضه پول یک کشور یا منطقه پولی مانند منطقه اروپا افزایش پیدا می‌کند و طی آن اضافه بر اعتبار موجود اعتبار خلق می‌شود. خلق پول در بانکداری در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، حقوقی، اجتماعی و... قابل بررسی است. به‌عنوان مثال، مباحث مربوط به مالکیت دارایی‌ها از منظر فقه و حقوق، رضایت‌های اجتماعی و مسائل حاکمیتی، بهره‌وری اقتصاد و سیاست ورزی مباحث متأثر از پدیده خلق پول در اجتماع هستند. لکن این اثر، پژوهشی با هدف بررسی نظریات ارائه شده پیرامون پدیده خلق پول و ارزیابی فقهی-اقتصادی آن در حوزه پول و اعتبار بانکی است. در این پژوهش سعی داریم به دو سؤال زیر پاسخ دهیم:

۱- تبیین و بررسی پدیده خلق پول در بانکداری متعارف؛

۲- بررسی پدیده خلق پول در بانکداری از منظر فقه امامیه و اقتصاد اسلامی در خصوص پیشینه پژوهش باید گفت:

صمصامی و کیانپور (۱۳۹۴) به «بررسی امکان خلق پول توسط نظام بانکی در نظام مالی اسلامی» می‌پردازند و به روش تحلیلی و بر اساس رویکرد کل گرایانه-غایت محور با بررسی مبانی نظری خلق پول در نظام بانکداری متعارف، مسئله خلق پول را از دیدگاه متفکران غربی و متفکران اسلامی بررسی می‌کنند. ایشان خلق پول توسط نظام بانکی را نقض ضوابط شرعی، عدم ایفای تعهدات، اکل مال به باطل، مانع تحقق اهداف نظام مالی اسلامی مانند ثبات اقتصادی، عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی و تثبیت قیمت‌ها می‌دانند. با در نظر گرفتن مشکلات خلق پول برای رعایت ضوابط شرعی و تحقق مقاصد شریعت امکان خلق پول توسط نظام بانکی به شکل کنونی در نظام مالی اسلامی وجود ندارد.

باستانی‌فر و همکاران (۱۳۹۴) «الگوی خلق اعتبار در بانکداری اسلامی متأثر از اندیشه شهید صدر» را تبیین می‌کنند. ایشان با بررسی مبانی نظری قرض در بانکداری متعارف و بانکداری اسلامی و بررسی مسئله قرض در اندیشه شهید صدر، ضوابط شرعی متأثر از دیدگاه شهید صدر درباره خلق اعتبار در نظام بانکداری اسلامی را معرفی کرده و الگویی از خلق اعتبار در بانکداری اسلامی در چارچوب ضریب فزاینده پولی در قالب اثر شریعت ارائه می‌دهند که نشان‌دهنده تفاوت سازوکار شکل‌گیری فرایند خلق اعتبار از دید شهید صدر با نظام بانکداری متعارف است. اثر شریعت شامل بدهکار بودن متقاضی اعتبار، التزام به اجرای شرط قبض، اطمینان بانک به اطلاعات متقاضی وام، جواز و لزوم عقد قرض بر ضریب فزاینده خلق پول اثرگذار بوده و وجه تمایز این دو محسوب می‌شود.

عالی‌پناه و تاج لنگرودی (۱۳۹۵) به «بررسی فقهی خلق پول به وسیله بانک‌های تجاری» می‌پردازند. پول در اقتصاد نوعی بدهی بوده و با سه نوع پول مواجه هستیم که موضوع مورد بررسی نوع سوم پول، یعنی سپرده‌های بانکی است. این سپرده‌ها، بدهی بانک‌های تجاری به سپرده‌گذاران است. با بیان دو نگاه به خلق پول یعنی ضریب فزاینده پولی و پول درون‌زا، نگاه دوم را مبنا قرار داده و سپس با بررسی‌های فقهی بیان

می‌کنند خلق پول در بانک‌های تجاری مشمول دو عنوان حقوقی «اکل مال به باطل» و «غصب» بوده و حکم فقهی آن حرمت است.

سبحانی و درودیان (۱۳۹۵) به «ارزیابی توجیه‌پذیری خلق پول به‌وسیله سیستم بانکی در نظام بانکداری اسلامی» پرداخته و پس از بیان علل مخالفین و موافقین خلق پول و مردود دانستن خلق پول بانکی از نظر مسیحیت، گرایش غالب در ادبیات اقتصاد اسلامی را نیز رد توان خلق پول به‌وسیله نظام بانکی می‌دانند. این مقاله با معیار قرار دادن عدالت و مولدیت، خلق انعطاف‌پذیر پول به‌وسیله نظام بانکی را ممکن دانسته اما میزان فعلیت آن را با عوامل مؤثر بر مقصد تخصیص اعتبارات بانکی مرتبط می‌داند. مشروعیت خلق پول بانکی منوط به همسوسازی آن با مطلوب‌های اجتماعی، جداسازی حاکمیت (جامعه) از سهم بانک در منافع حاصله و اندیشیدن تمهیداتی جهت تخفیف آثار منفی توزیعی است.

حسینی دولت‌آبادی (۱۳۹۷) تلاش می‌کند برای «ترتیبات خلق پول عادلانه» چارچوبی معرفی کند. عدالت در طول تاریخ و در قرآن یک ارزش بوده و در حوزه اقتصاد در موارد تعارض یا تضاد منافع مطرح می‌شود. یکی از حوزه‌های تعارض منافع ترتیبات خلق پول در نظام بانکداری مبتنی بر ذخیره جزئی است، لذا این مقاله، عدالت را معیار ارزیابی و طراحی ترتیبات خلق پول در نظر می‌گیرد. در ترتیبات خلق پول عادلانه، بدهی بانک‌ها پول به شمار نمی‌آید؛ در نتیجه، بانک‌ها امکان خلق پول نخواهند داشت و انحصار خلق پول تنها در اختیار بانک مرکزی خواهد بود. برای اینکه مردم به‌صورت عادلانه از منافع ناشی از خلق پول بهره ببرند، بانک مرکزی موجودی حساب مردم نزد خود را به میزانی که می‌خواهد بر حجم پول در اقتصاد بیفزاید، افزایش خواهد داد تا مردم به هر طریقی که صلاح می‌دانند از آن استفاده کنند.

کمیجانی و همکاران (۱۳۹۷) به «ماهیت بانک و فرآیند خلق پول بانکی؛ نقد دیدگاه‌های رایج و دلالت‌ها» می‌پردازند. در این مقاله پس از ارائه تصویری از دیدگاه‌های «واسطه‌گری مالی» و «ضریب فزاینده» درباره ماهیت بانک و فرآیند خلق پول، دیدگاه دیگری تحت عنوان «خلق پول انفرادی بانک» تبیین شده و نهایتاً اصولی که رعایت آن‌ها برای تحلیل درست بانک در اقتصاد کلان ضروری است، معرفی و

برخی دلالت‌های خلق پول در بانکداری اسلامی، سیاست‌گذاری پولی، مقررات‌گذاری بانکی و مدل‌سازی اقتصاد کلان تشریح می‌شود.

۱. مفاهیم پایه

۱-۱. پول

در تعریف پول چنین آمده است: «زر و سیم یا فلز دیگر مسکوک رایج» (دهخدا، ۱۳۷۷، ص. ۷۵)، «قطعه فلز از طلا یا نقره یا مس یا فلزات دیگر که از طرف دولت سکه زده شود، اسکناس که توسط دولت یا بانک ناشر اسکناس چاپ و منتشر شود» (فرهنگ فارسی عمید، ۱۳۴۳، ص. ۳۴۵). بنابراین پول در عرف به‌عنوان سکه‌های رایج طلا و نقره، معیار ارزش مادی، وسیله مبادله، اسکناس یا قطعه فلز منتشر شده از سمت دولت یا بانک شناخته و استفاده می‌شود.

از منظر اقتصادی تعریف پول با آنچه در عرف جامعه رایج است، کمی متفاوت است. در تعریف‌هایی که در علم اقتصاد از پول ارائه شده، بیشتر به تعریف کارکردی پول پرداخته شده است. در دنیای واقعی، پول بر دو نوع است: نوع اول پول رایج که شامل سکه و اسکناس است و نوع دوم که سپرده‌های دارای رسید است. در این نوع پول، شما می‌توانید از طریق چک یا کارت بدهی استفاده نمایید. شعبانی تعریف می‌کند: هر چیزی که بتواند در فرآیند مبادلات نقش اندازه‌گیری ارزش اقتصادی کالاها و خدمات را ایفا کند، پول تلقی می‌شود (شعبانی، ۱۳۹۲، ص. ۴۵).

معمولاً سه وظیفه سنتی برای پول ذکر شده که عبارت‌اند از:

- ۱- وسیله مبادله، ۲- واحد شمارش یا سنجش و ۳- ذخیره ارزش یا ثروت.
- انواع پول به اشکال زیر است: ۱. پول نقد، شامل اسکناس و مسکوک؛ ۲. پول بانکی، شامل وجوه و اعتبارات بانکی در بانک‌های تجاری و ۳. پول الکترونیک^۱.

۲-۱. بانک

می‌توان در تعریف بانک چنین گفت: سازمان و دستگاهی که محل ذخیره پول مردم است و بدان دادوستد کنند یا دادوستد آنجا انجام گیرد. سازمانی که عملیات آن به‌طور کلی عبارت است از: نقل و انتقال وجوه و صدور بروات و نگاهداری سرمایه اشخاص و بکار انداختن سرمایه‌های مذکور برای توسعه تجارت و اعتبارات تجاری

بخصوص از جهت تسهیل عمل مبادلات و نقل و انتقال وجوه و دادن اعتبار و قرض به مردم با ریح کمتر از میزان عادی بازار و گاه نشر اسکناس رایج کشور. اصل واژه بانک، فرانسوی است و علاوه بر معانی بالا، معنای نوعی قمار با ورق نیز برای آن ذکر کرده‌اند. مطابق تعریف برخی: «بانک واسطه‌گری مالی و مؤسسه انتفاعی است که با سرمایه خود و سپرده‌های مشتریان، به منظور کسب سود اقدام به وام دادن و اعتبارات و ارائه خدمات بانکی می‌کند» (مجتهد و حسن‌زاده، ۱۳۸۰، ص. ۶).

۳-۱. خلق پول

خلق پول روندی در علم اقتصاد است که طی آن نقدینگی یک کشور یا منطقه پولی (مانند منطقه یورو) افزایش می‌یابد. یک بانک مرکزی می‌تواند با خریدن منابع مالی یا قرض دادن به مؤسسات مالی به اقتصاد پول جدید وارد کند (که به سیاست پولی انبساطی مشهور است). آنگاه قرض دادن پول توسط بانک تجاری این پول پایه را از طریق بانکداری ذخیره کسری زیاد می‌کند و منجر به بسط پول گسترده (پول نقد و سپرده دیداری) می‌گردد.

۲. بررسی ابعاد اقتصادی، اسلامی و فقهی خلق پول

ابتدا مباحث و نظرات اقتصادی خلق پول مختصراً مرور خواهد شد؛ سپس از آن ابعاد فقهی آن را بر اساس نظر اندیشمندان اسلامی بیان می‌کنیم.

۲-۱. ابعاد اقتصادی

سه دیدگاه متفاوت درباره ماهیت بانک وجود دارد که هر یک حدود یک‌سوم از قرن بیستم حاکم بوده‌اند (ورنر، ۲۰۱۴م، ص. ۱۲). رویکرد مرسوم (که البته پس از بحران مالی تضعیف شده) این است که بانک‌ها تنها واسطه‌های مالی هستند و منابع را جمع کرده و تخصیص می‌دهند. آغاز وام‌دهی، با جمع‌آوری سپرده‌های یک شخص و پایان آن، قرض دادن این منابع به دیگری است. این رویکرد نظریه واسطه‌گری مالی در بانکداری^۲ یا نظریه واسطه‌گری وجوه وام‌دانی^۳ نامیده می‌شود و از اواخر دهه ۱۹۶۰ رویکرد برتر در اقتصاد بوده است.

بین دهه ۱۹۳۰ تا ۱۹۶۰، دیدگاه برتر این بود که نظام بانکی «ویژه» است؛ زیرا بانک‌ها برخلاف دیگر نهادهای مالی و بر اساس مدل بانکداری مبتنی بر ذخایر جزئی می‌توانند به صورت تجمعی خلق پول کنند؛ ولی هر بانک تنها یک واسطه‌گر مالی است که سپرده‌ها را جذب کرده و آن‌ها را وام می‌دهد. این رویکرد نظریه ذخیره جزئی در بانکداری^۴ یا نظریه ضریب فزاینده^۵ نامیده می‌شود. دیدگاه سوم درباره نحوه ماهیت بانک که در دو دهه اول قرن بیستم حاکم بود، همانند نظریه ذخیره جزئی معتقد بود نظام بانکی خلق پول کند؛ ولی هر بانک به تنهایی همه وام‌ها را «از هیچ خلق» می‌کند و نیازی به جذب سپرده پیش از آن وجود ندارد. این رویکرد «نظریه خلق پول» در بانکداری^۶ یا نظریه تأمین مالی مبتنی بر خلق پول^۷ نامیده می‌شود (کمپجانی، ابریشمی و روحانی، ۱۳۹۷، ص. ۳).

در ادامه به بازیگران اصلی که توانایی خلق پول را دارند می‌پردازیم.

۲-۱. خلق پول بانک‌های تجاری

در تاریخچه پول، تحول اساسی زمانی اتفاق افتاد که صرافان متوجه شدند می‌توانند بجای پول نقد به وام‌گیرندگان، رسید بپردازند. در این زمان مهم‌ترین ویژگی و شاید معجزه بانکداری نوین یعنی خلق پول متولد شد (موسویان و میثمی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص. ۲۲). می‌توان تاریخچه خلق پول را نیز قرن هفدهم دانست. زمانی که صراف‌ها متوجه شدند، می‌توانند بیش از طلای نزدشان رسید منتشر کنند؛ زیرا در آن زمان مردم ابتدا با طلا معامله می‌کردند و به دلیل مشکلات مبادله با طلا مانند وزن سنگین و خطر سرقت و ... ترجیح دادند صرفاً رسید طلاهایشان را جابجا کنند. صراف‌ها هم رسیدها را همراه با سود به مردم قرض می‌دادند و بیش از ذخایری که داشتند به خلق پول پرداختند؛ بنابراین می‌توان اولین تجربه خلق پول را در اثر چاپ رسید بیشتر از مقدار پشتوانه دانست.

برای تبیین فرآیند خلق پول ابتدا فرض می‌شود:

یک بانک مرکزی و فقط یک بانک تجاری که نمایندگی کلیه بانک‌های تجاری است.

یک نفر مشتری بانک نمایندگی عموم مردم را دارد.

مقداری مشخص پول در جامعه معادل ۱۰۰۰ واحد پولی - تومان وجود دارد. کلیه مبادلات از طریق چک انجام شود. حالت اول: بانکداری با ذخیره ۱۰۰ درصد

در این حالت تصور می‌شود بانک تجاری تمام سپرده‌ها را ذخیره نگهداری می‌کند. این بانک از سپرده‌ها، وامی نمی‌دهد. بدیهی است وقتی صرفاً بانک وظیفه حفظ سپرده‌ها را دارد به هنگام مراجعه مشتری، می‌تواند تمامی آن ۱۰۰۰ تومان را به مشتری بازگرداند. در این حالت بانکداری با نرخ ذخیره ۱۰۰ درصد محقق می‌شود.

حالت دوم: بانکداری با نرخ ذخیره جزئی - مثلاً ۱۰ درصد در این حالت فرض می‌شود مشتری تمام پول خود را نزد بانک سپرده‌گذاری می‌کند. ممکن است قسمتی را هم خرج کند ولی در مجموع اقتصاد دوباره به نظام بانکی باز می‌گردد. به هر حال، مقدار پول نقد خارج از نظام بانکی مقدار قابل توجهی نیست که محاسبات را دچار مناقشه نماید (بخشی دستجردی و دلالی، ۱۳۹۱، ص. ۱۸۹)؛ در این شرایط امکان وام‌دهی نیز وجود دارد. در عملیات حسابداری بانک، سپرده مشتری نزد بانک بدهی بانک و ذخیره ۱۰۰۰ تومانی بانک دارایی آن حساب می‌شود. برای آن ۱۰ درصد، بانک باید ۱۰۰ تومان ذخیره قانونی نزد بانک مرکزی نگهداری کند؛ در نتیجه، ذخیره ۱۰۰۰ تومان دارایی بانک نیست و در ستون دارایی ۹۰۰ تومان وام و ۱۰۰ تومان ذخیره قانونی در حکم دارایی بانک است. فرض می‌شود بانک هم ۹۰۰ تومان را ذخیره نمی‌کند و از طریق وام، مجدداً قرض می‌دهد. وام نیز به‌عنوان دارایی بانک محسوب می‌شود. بدهی بانک نیز ۱۹۰۰ تومان خواهد شد؛ چراکه اعطای وام از طریق افزایش موجودی حساب جاری بانک است.

هم‌اکنون بدهی بانک ۱۹۰۰ تومان شده است. از ۹۰۰ تومان ۱۰ درصد دیگر ذخیره قانونی می‌شود و مقدار کل ذخیره قانونی بانک معادل ۱۹۰ تومان است؛ بنابراین بانک می‌تواند ۸۱۰ تومان باقی‌مانده را مجدداً وام بدهد. در بانکداری متعارف به همین منوال و در اثر تکرار عملیات بانکی، بانک می‌تواند مبلغ ۹۰۰۰ تومان وام اعطا کند و ۱۰۰۰ تومان نیز مقدار ذخیره جزئی می‌شود؛ یعنی کل بدهی بانک به مشتریان طبق قوانین ریاضی حد مجموعه‌ها، معادل ۱۰۰۰۰ تومان می‌شود. جمع‌بندی آن‌که بانک توانسته

است مبلغ ۹۰۰۰ تومان پول جدید خلق بکند و حجم پول را در اقتصاد، از ۱۰۰۰ تومان به ۱۰۰۰۰ تومان برساند.

بنابراین خلق پول بانک‌های تجاری از طریق عملیات ترانزنامه‌ای انجام می‌شود. وام‌های اعطایی، دارایی بانک است و سپرده وام‌گیرنده نزد بانک، بدهی بانک. این وام‌ها همان پول خلق‌شده در اقتصاد است. با اعتباری شدن پول در گردش در اقتصاد کشورها، سپرده‌های بانکی نیز جزء پول و حجم پول محاسبه می‌شود. خلق پول ویژگی بانک‌هاست و سایر واسطه‌های مالی غیر بانکی، پول ایجاد نمی‌کنند. دارایی‌های واسطه‌های غیر بانکی توسط تعهدات و حیطة وظیفه‌شان محدود است و نمی‌توانند بیش از سپرده‌های دریافتی‌شان، تسهیلات اعطا کنند.

علاوه بر اعطای وام، بانک‌ها از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم، پول خلق می‌کنند. یکی دیگر از مصادیق خلق پول بانک‌های تجاری که به‌طور مستقیم انجام می‌شود، گواهی‌های سپرده قابل معامله^۱ است. از منظر نظریور و همکاران (۱۳۹۱، ص. ۱۶۵) گواهی سپرده قابل معامله (قابل انتقال)، عبارت است از «یک رسید قابل خرید و فروش در مقابل وجوه نقد تأدیه شده در بانک صادر کننده که مدت و نرخ سود معین دارد»؛ و در ادامه توضیح می‌دهند «گواهی سپرده قابل معامله، ابزار بدهی قابل انتقالی است که معرف وجود یک سپرده مدت‌دار نزد بانک است و به‌وسیله بانک صادرکننده با مدت سررسید و نرخ سود معینی تعهد می‌گردد». بانک‌ها همچنین از طریق خرید دارایی مانند ارز، طلا و دارایی مالی دست به پول آفرینی می‌زنند.

۲-۱-۲. خلق پول بانک مرکزی

علاوه بر بانک‌های تجاری، بانک مرکزی نیز به خلق پول می‌پردازد. همه بانک‌ها در بانک مرکزی حسابی دارند که در آن سپرده‌های خود را نگهداری می‌کنند. ذخایر شامل سپرده‌های بانک مرکزی و پول رایج می‌شود که توسط بانک‌ها نگهداری می‌کنند. ذخایر برای بانک‌ها دارایی و برای بانک مرکزی بدهی محسوب می‌شوند، زیرا بانک‌ها می‌توانند در هر زمانی تقاضای پرداخت کنند و بانک مرکزی نیز متعهد به پرداخت است.

از این رو بانک مرکزی حکم بانکی برای بانک‌هاست. در نظام بانکداری با ذخیره جزئی که در غالب کشورها مرسوم است، بانک مرکزی درصدی از سپرده‌های مردم نزد بانک‌ها را به‌عنوان ذخیره نگهداری می‌کند. پس از آن است که فرآیند خلق پول اتفاق می‌افتد. خلق پول از طریق افزایش پایه پولی^۹ با توجه به ضریب فزاینده صورت می‌پذیرد. بنابراین ضریب فزاینده پولی نقطه محوری در تعیین میزان خلق پول است. برای محاسبه آن نسبت حجم پول و پایه پولی را به دست می‌آوریم. میشکین بر این باور است که پایه پولی عبارت است از مجموع پول در گردش (اسکناس و مسکوک در دست افراد)^{۱۰} و ذخایر کل در نظام بانکداری^{۱۱}.

$$MB = C + R$$

ذخایر کل نیز شامل ذخایر احتیاطی و ذخایر قانونی است.

$$R = RR + RE$$

در این نظام بانکداری حجم پول از راه زیر به دست می‌آید:

$$M_1 = m \cdot MB$$

که M_1 حجم پول، m ضریب فزاینده پولی و MB پول پر قدرت است. برای به دست آوردن ضریب فزاینده پولی، پایه پولی را به سمت چپ تساوی می‌بریم. حجم پول نیز از طریق رابطه زیر محاسبه می‌شود.

$$M_1 = C + D M_4$$

D سپرده‌های جاری مؤسسات سپرده پذیر است.

در نتیجه ضریب فزاینده پولی عبارت است از:

$$m = \frac{M_1}{B} = \frac{C + D}{C + RR + RE} = \frac{\frac{C}{D} + 1}{\frac{C}{D} + \frac{RR}{D} + \frac{RE}{D}}$$

حجم پول نیز عبارت است از:

$$M_1 = \frac{c+1}{c+r_r+r_e} B$$

وقتی خانوارها (جامعه) به‌صورت کلی میل به افزایش استفاده از پول نقد و مسکوکات داشته باشند و C افزایش یابد، حجم پول کاهش می‌یابد. بانک مرکزی قادر است پایه پولی را زیاد کرده و نرخ ذخیره قانونی را کم کرده و حجم پول را افزایش دهد.

از طرفی بانک‌های تجاری بر r_e می‌توانند تأثیر بگذارند. وقتی r زیاد می‌شود، اعطای وام برای بانک‌ها سود بیشتری در پی خواهد داشت، ذخیره‌های مازاد و حجم پول بیشتر می‌شود. بنابراین زمانی که بانک‌ها عملیاتی روی ذخایر مازاد خود انجام می‌دهند، حجم پول را تغییر می‌دهند. گاهی ممکن است که بانک مقداری از ذخایر مازاد خود را به‌منظور فعالیت‌های بورس‌بازانه حفظ نماید. در این صورت اگر بانک انتظار داشته باشد که نرخ سود سهام یا نرخ بهره بازار بالا رود، مقدار ذخیره بیشتری حفظ می‌کند و حجم پول کم می‌شود. اگر بانک انتظار کاهش نرخ سود از وضعیت بازار داشته باشد، از مقدار ذخایر مازاد خود می‌کاهد که در نتیجه آن حجم پول کاهش می‌یابد. از آنچه گذشت به این نکته می‌رسیم که اختیار حجم پول تنها در اختیار بانک مرکزی نیست و بانک‌های تجاری و مردم نیز می‌توانند آن را تغییر دهند، در این صورت عرضه پول در اقتصاد متغیر برون‌زا است.

خلق پول یا خلق بدهی توسط بانک مرکزی همواره باید همراه با افزایش برابر در دارایی‌های ترازنامه بانک مرکزی باشد. به‌عنوان مثال در چارچوب اجرای عملیات بازار باز^{۱۲} در نظام پولی متعارف، در شرایطی که بانک مرکزی اوراق بهادار می‌خرد، به همان میزان پول پر قدرت یا ذخایر در اقتصاد خلق می‌شود. به همین ترتیب کاهش بدهی‌های بانک مرکزی، با کاهش دارایی‌های بانک مرکزی همراه است. در شرایطی که بانک مرکزی به دنبال یک سیاست انقباضی پولی است، فروش اوراق بهادار باعث کاهش مانده پول پر قدرت و به عبارت دیگر از بین رفتن پول پر قدرت در اقتصاد به میزان ارزش اسمی اوراق بهادار فروخته شده خواهد بود.

۲-۱-۳. خلق پول توسط مردم

علاوه بر این دو نهاد، مردم نیز می‌توانند از طریق چک‌های بلامحل صادره از سوی صاحب چک، کار بانک‌های تجاری در اعطای وام را انجام بدهند. زمانی که این چک‌ها در اقتصاد به جریان بیفتند و توسط آن‌ها خرید و فروش شود، نوعی خلق پول اتفاق می‌افتد. البته سهم مردم در خلق پول، نسبت به مقادیری که بانک‌های تجاری خلق پول می‌کنند ناچیز است.

۲-۱-۴. هزینه‌ها و محدودیت‌های خلق پول

انواع پول رایج در دوره‌های قبلی اقتصادی، موانعی طبیعی برای خلق پول به همراه داشته‌اند. در زمان اقتصاد تهاتری، کالای تولیدی هر فرد پول آن شخص حساب می‌شد؛ بنابراین محدودیت در منابع طبیعی و موانع تولید، موانع خلق پول بوده‌اند. در دوره سکه‌های فلزی نیز کمبود منابع طبیعی و معادن فلز، نبود دانش ضرب سکه، دشواری استخراج و خالص‌سازی معادن از جمله محدودیت‌های خلق پول بود. در دوره کنونی و با گذشت زمان و پیشرفت دانش، در تولید اسکناس و پول اعتباری موانع طبیعی و محدودیت‌های دوره‌های قبل وجود ندارد. اراده کانون انتشار پول در هر کشور که معمولاً دولت و بانک مرکزی است، عامل خلق پول به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم است. با توجه به آثار و پیامدهای خلق پول، برای این کار موانعی ایجاد می‌گردد. به عبارت دیگر در اقتصاد امروزی، اگرچه بانک مرکزی و بانک‌ها از طریق رفتار اعطای وام، خود خلق پول می‌کنند، اما آن‌ها نمی‌توانند این کار را بدون محدودیت انجام دهند. در اقتصاد مدرن سه محدودیت اصلی برای پول خلق شده توسط بانک‌ها وجود دارد. دسته اول محدودیت‌های خود بانک برای خلق پول و اعطای وام است که شامل شرکت در بازار رقابتی بین بانک‌ها و خطرات وام‌های اضافی^{۱۳} و سیاست‌های نظارتی ناظر به ثبات نظام مالی است. دسته دوم محدودیت‌ها مربوط به رفتار نگه‌دارندگان پول اعم از خانوارها و بنگاه‌هاست. سومین محدودیت مربوط به سیاست‌های پولی است. بانک مرکزی از طریق اعمال نظارت بر نرخ بهره و نرخ وام‌ها بر روی خلق پول بانک‌های تجاری محدودیت ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، میزان تقاضای وام از سوی وام‌گیرندگان و انتظارات بانک‌ها از تغییرات بازار در زمان آینده باعث احتیاط بانک‌ها در خلق پول می‌گردد تا ترازنامه خود را همواره در حالت بهینه نگاه دارند.

۲-۲. خلق پول از منظر اسلام

در این بخش تلاش می‌شود نظریات خلق پول در مطالعات اندیشمندان اقتصاد اسلامی بیان شده و سپس خلق پول، بررسی فقهی شود. در انتها، خطوط راهنمایی از اقتصاد اسلامی درباره خلق پول بیان خواهند شد.

۲-۱. خلق پول از نظر اندیشمندان اسلامی

شهید صدر(ره) در کتاب «الاسلام یقود الحیاه» بیان می‌کند جایز نیست ذمه و عهده دیگری را نسبت به مالی از طریق قرض، بدون تحویل حقیقی آن مال، مشغول کرد، زیرا قبض، شرط در عقد قرض است. از این رو تمامی پول‌های کاغذی که زاییده فکر سرمایه‌داری اروپایی بوده و در آن فرصت طلایی ایجاد شده است که رشد مال به صورت رشد سرمایه‌داری صرف بدون انجام هرگونه کاری یافته بود، باطل می‌گردد. تمامی احکام اسلامی به سمت ریشه‌کن ساختن درآمدی که بر مبنای کار نباشد و طرد بهره‌برداری سرمایه‌داری (یعنی توسعه مالکیت مال، تنها از طریق مال) جهت‌گیری دارند. این رویکرد، شاخص ثابت و اساسی برای عناصر متحرک در اقتصاد جامعه اسلامی را تشکیل می‌دهد. حاکم شرعی باید در ضمن ساختارهای قانونی که اختیارات وی شامل آن می‌شود و در حالی که با عنصر ثابتی در قانون‌گذاری برخورد ندارند، در مسیر این رویکرد حرکت نمایند (صدر، ۱۴۲۱ق، ص. ۲۲). عیوضلو و کریمی ریزی (۱۳۹۷، ص. ۱۰) بیان می‌کنند شهید صدر در همین کتاب، خلق پول یا فعالیت تجمیع اموال را فقط از طریق بانک دولتی مجاز می‌شمارد (صدر، ۱۴۰۳ق، ص. ۳۵) و فعالیتی که بانک خصوصی از طریق تجمیع اموال خرد به قدرت بالایی دست یابد، جایز نمی‌شمارد.

بنابراین، نظر شهید صدر چنین یافت می‌شود: خلق پول نظام بانکی به این جهت که بانک می‌تواند تعهداتی به ارزش چند برابر آنچه از دارایی‌های حقیقی نزد وی است، صادر کند، به وجود می‌آید و بانک به خاطر عدم قبض در عقد قرض و خلق ثروت بر مبنای بدون کار مجاز به خلق پول نیستند.

از سوی دیگر شهید صدر در الگوی «البنک اللاربوی» در پاسخ به اینکه آیا بانک اسلامی می‌تواند اعتبار به وجود آورد و به عبارت دیگر، بیش از مبالغی که به عنوان سپرده نزد خود دارد بستانکاری داشته باشد، جواب مثبت داده و توضیح می‌دهد که بانک مجاز به خلق اعتبار است به شرطی که بستانکاری ایجاد شده مستند به علت شرعی باشد و نه غیر مشروع. بی‌شک در این حالت، مشابه بانک‌های تجاری متعارف از

طریق سپرده‌های جاری و سرمایه‌گذاری امکان خلق پول وجود خواهد داشت (صدر، ۱۴۱۰ق، ص. ۲۴).

به نظر می‌رسد نظر شهید صدر را بتوان چنین دانست: بانک اسلامی نقش واسط بین سرمایه و کار را داشته و رابط میان صاحب سرمایه و کارگزار قرار می‌گیرد. خلق پول مجاز است ولی باید در چارچوب عقود شرعی و ضوابط قانونی باشد. دلیل ممنوعیت خلق پول مضر، ایجاد مال‌اندوزی و رشد صوری پول در قبال تقاضای مردم نسبت به آن است. از طرفی هم می‌توان ادعا نمود فرآیند خلق اعتبار در آثار شهید صدر با نظام بانکداری متعارف متفاوت است. همچنین به نظر می‌رسد جواز خلق پول را منحصر در بانک دولتی می‌دانند.

سید عباس موسویان قائل به خلق پول به صورت منضبط، حساب شده و تحت اشراف بانک مرکزی است. وی مشکلات خلق پول در ایران را ناشی از عدم اشراف بانک مرکزی یا عدم انضباط مالی در نظام بانکی می‌داند و پدیده خلق پول، فی‌نفسه اشکالی ندارد. به عبارت دیگر در ساختار بانکی متعارف، سه گروه سپرده‌گذاران و بانک و متقاضیان تسهیلات وجود دارند که از منظر حقوقی و اقتصادی به‌طور مستقل از هم دیگر هستند. بانک‌ها نقش واسطه و جوه را عمل می‌کنند و جوه مازاد بر نیاز اشخاص حقیقی و حقوقی را به صورت سپرده بانکی می‌گیرند و به صورت قرض به بنگاه‌ها و خانوارها می‌پردازند. تجهیز منابع و اعطای وام در بانکداری متعارف، بر اساس رابطه حقوقی قرض است (موسویان، ۱۳۸۲، ص. ۵۱). اگر این روابط مبتنی بر عقود شرعی باشند و در نظام بانکی نظم و انضباط مالی وجود داشته باشد، خلق پول ایجاد شده اشکالی نخواهد داشت. اختراع اسکناس و خلق پول برخی از مهم‌ترین موانع توسعه تجارت را از بین برد. بنابراین نه تنها خلق پول بانکی مجاز، بلکه در صورت تمهید شرایط مناسب و انتقال بهینه اعتبار ایجاد شده تا بخش تولید، منجر به رونق تولید و تجارت می‌شود.

نجات الله صدیقی نیز خلق پول در بانکداری اسلامی را مجاز می‌داند. نظام پولی اسلامی تفاوت چندانی با نظام پولی موجود ندارد. با این تفاوت که دولت اسلامی نوین^{۱۴} ناظر به پول و سرمایه با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی کشور، با استفاده از

تجربیات روز و ملاحظات عملیاتی، قوانین وضع می‌کند. از آنجایی که تنظیم نظام پولی در اقتصاد اسلامی در عصر حاضر اهمیت زیادی دارد، دوگانگی انحصار حق انتشار و تنظیم سیاست‌های پولی برای دولت و افرادی غیر دولت، پذیرفته نیست. دولت باید به‌تنهایی سکه و پول رایج را وضع کند (حق انتشار) و نهادهای لازم بدین منظور را ایجاد نماید؛ زیرا هیچ فرد یا نهادی حق بهره‌برداری از این امتیاز را ندارد. بنابراین سیاست‌گذاری پولی به‌منظور خلق پول، تنها بر عهده دولت است و ممکن است دولت این حق را با رعایت ملاحظات به غیر واگذار کند. وی تمایز خلق پول در بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری متعارف را شرط مضاربه بودن عقود می‌داند که طی عقد مضاربه، حقوق اختصاصی وام‌گیرنده یا کسی که سرمایه را دریافت می‌نماید، محفوظ است. همچنین وی عرضه اعتبار یا خلق پول جدید را یکی از مهم‌ترین کارکردهای بانک می‌داند که در نتیجه فعالیت‌های بانک ایجاد می‌شود.

جارحی (۱۹۸۰م) معتقد است در نظام اقتصاد اسلامی، اعطای وام معمول که با ماهیت تجارت حال، با پول آینده است، اکیداً ممنوع است و آن غیراخلاقی، ناعادلانه و نشانه‌ای از حرص و آز است و منطق دینی علمای اسلامی، می‌تواند این را بیشتر توضیح دهد. ناعادلانه بودن یعنی پول یک دارایی بی‌ثمر است که به‌خودی‌خود نمی‌تواند چیزی تولید کند. در اقتصاد اسلامی می‌توانیم انتظار داشته باشیم فعالیت‌های وام‌دهی بانک‌ها به اهداف بشردوستانه محدود شود و در یک اقتصاد اسلامی، دولت و مؤسسه‌های بازرگانی کسب‌وکار و تقریباً هر کس دیگری نمی‌تواند وام بگیرد. تنها نیازمندان و کسانی که می‌توانند افرادی را پیدا کنند که با نرخ بهره رایگان و صفر به آن‌ها وام دهند، وام می‌گیرند. نظام پولی و مالی اسلامی باید ساختاری داشته باشد که این واقعیت ساده را بازتاب کرده و فرایند خلق منابع مالی و تخصیص آن‌ها نباید بر مبنای وام‌دهی باشد. جارحی در مقاله‌ای پس از بحث‌هایی درباره خلق پول نظام بانکی در نظام مالی اسلامی، با کمک الگوش (۱۹۸۱)، در حمایت از ذخیره صددرصدی سپرده‌های دیداری، استدلال می‌کند. بانک‌های اسلامی در یک سیستم بدون بهره، نمی‌توانند عملیات مدل‌های سنتی را که توسط بانک‌های تجاری سنتی توسعه یافته، انجام دهند. بانک‌های اسلامی نمی‌توانند از صاحبان صندوق‌هایشان وام دریافت کنند و

با آن به اعضای این صندوق وام‌دهی داشته باشند؛ زیرا آن‌ها نمی‌توانند بهره دریافت کنند و باید به‌طور مستقیم سرمایه‌گذاری کرده یا سهام بنگاه‌های آن‌ها تأمین مالی شود و بقیه فعالیت‌های خدماتی مرسوم را انجام دهند.

توتونچیان در کتاب «پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری» با تعاریف و فرضیه‌هایی از پول و بانک و سرمایه و وظیفه‌های هر یک، به کنترل شدید پول در انجام وظیفه‌های محوله باور دارد؛ او تمام مشکل‌های جهان را ناشی از این امر و وجود بهره و کنز پول دانسته و معتقد است فقط نرخ ذخیره صددرصدی می‌تواند پول را در جهت انجام وظیفه‌اش هدایت کند. از سوی دیگر معتقد است برخلاف نظام مالی متعارف در نظام اسلامی چون بانک وسیله پدید ساختن سرمایه است نه پول؛ بنابراین نیاز به ذخیره قانونی نبوده و تورم نیز وجود نخواهد داشت (توتونچیان، ۱۳۷۹، ص. ۷۰۰).

توتونچیان معتقد است اعطای تسهیلات در نظام اسلامی، تورم‌زا نیست؛ زیرا استفاده غالب از عقد مضاربه و به‌صورت حقیقی، نه صوری، صرف‌نظر از عدم قابلیت کاربرد آن در تمام موارد، باعث می‌شود بانک، عرضه‌کننده مضاربه گردد و در سود حاصل از این عمل با سرمایه‌گذار شریک باشد. در این حالت، سیاست بانک دیگر سیاست پولی نخواهد بود، بلکه سیاست مورد اعمال سیاست تأمین مالی خواهد بود ولی اگر این عقد، صوری استفاده شود و فقط نرخ از پیش تعیین شده از مضاربه در قالب سود دریافت شود، اطلاق سیاست پولی در این حالت صحیح است. در حقیقت، ماهیت بانکداری پیشنهادی، همان بانکداری ربوی است، ولی با تغییر نام عقد مضاربه به‌جای عقد وام که در این صورت متضمن بروز تورم است (توتونچیان، ۱۳۷۴، ص. ۶۳۴).

همچنین توتونچیان (با این پیش‌فرض که پول یک کالای عمومی است و خلق آن نباید در اختیار نهادی غیر از دولت باشد) ایده‌ای مبنی بر لزوم دولتی بودن بانک‌ها و عدم خصوصی‌سازی یا اجازه تشکیل بانک‌های خصوصی را پیشنهاد می‌دهد (توتونچیان، ۱۳۷۹، ص. ۴۱۲).

انصاری (۱۹۸۳م) ساختار نهادی و مکانیسم عملیاتی بانکداری اسلامی در چارچوب نظام اسلامی را به تصویر می‌کشد. این نظام از خانواده‌هایی که به‌عنوان یک مجموعه اجتماعی، ارتباطات درونی با یک مجموعه همگرا از نهادهای اسلامی دارند، تشکیل می‌شود. او خانوارها در سه دسته خانواده‌های قراردادی، غیر قراردادی و کسری درآمدی تقسیم‌بندی می‌شوند. به نظر می‌رسد انصاری نوعی از بانکداری اجتماعی را طراحی می‌نماید. در این الگو امکان خلق پول وجود خواهد داشت زیرا:

۱. مؤسسات سرمایه‌گذاری و پس‌انداز مشترک، در جهت دستیابی به سود، در پروژه‌های مبتنی بر مشارکت و مضاربه که طرف قراردادهای آن‌ها حکومت کل جامعه یا حکومت‌های محلی یا جامعه شرکت‌ها می‌باشد، سرمایه‌گذاری کرده و سهم سود مؤسسه که متعلق به جامعه است، برای تأمین مالی پروژه‌های اجتماعی که برای عموم مردم سود ایجاد می‌کنند، استفاده می‌شود؛

۲. در این الگو بسته به منطقه اقتصادی و تقاضای آن منطقه و نوع پروژه نرخ ذخایر قانونی متفاوت است.

ترکمانی (۱۴۰۹ق) استفاده از ذخایر قانونی را متفی می‌دانند؛ زیرا در اقتصاد اسلامی بانک‌ها - اعم از تجاری یا صندوق زکات - نمی‌توانند بیش از اموالی که دارند، قرض دهند. سپرده‌هایی که ممکن است برای نقدینگی اقتصاد مشکل ایجاد کنند، سپرده‌های دیداری‌اند و این سپرده‌ها به جهت محدودیت‌هایی که در اسلام برای نگهداری آن‌ها وضع شده (مانند تشریح زکات و حرمت کنز) رقم قابل‌توجهی در میزان سپرده‌ها نداشته و بخش اعظم آن‌ها به‌صورت سپرده سرمایه‌گذاری جلوه خواهد کرد؛ اما سپرده‌های سرمایه‌گذاری نیز به‌منظور به‌کارگیری در فعالیت اقتصادی و بهره‌مند شدن از سود آن‌ها ایجاد شده‌اند و اغلب پس از اتمام دوره مالی، می‌تواند سپرده‌های خود را از بانک دریافت کنند. بنابراین نیازی به ذخیره قانونی نیست. ترکمانی به استفاده از ذخیره قانونی اعتقادی ندارد، اما انگیزه او به‌ویژه در سپرده‌های دیداری، به این دلیل است که او حجم سپرده‌های دیداری را کم می‌داند و خلق پول را نیز از اختیارات صندوق زکات می‌شمارد که وجوه فراوانی ندارد.

۲-۲-۲. بررسی فقهی خلق پول

خلق پول به‌عنوان یک پدیده اقتصادی آن هم به شکل اعتباری امروزی یک مسئله مستحدثه بوده و فاقد نص در منابع است. پس از بررسی و نقد یک نظر که عنوان غضب را بر خلق پول می‌نهد، برای بررسی حکم فقهی آن، باید از قواعد عمومی فقه استفاده کرد. این موضوع، یکی از مسائل جامعه است که از یک بُعد با زندگی امت اسلامی در ارتباط است و از طرف دیگر مربوط به حاکمیت و مدیریت جامعه اسلامی است؛ لذا منجر به شمول در دایره فقه می‌گردد.

خلق پول به‌عنوان یک پدیده اقتصادی آن هم به شکل اعتباری امروزی یک مسئله مستحدثه بوده و فاقد نص در منابع است. پس از بررسی و نقد یک نظر که عنوان غضب را بر خلق پول می‌نهد، برای بررسی حکم فقهی آن، باید از قواعد عمومی فقه استفاده کرد. این موضوع، یکی از مسائل جامعه است که از یک بُعد با زندگی امت اسلامی در ارتباط است و از طرف دیگر مربوط به حاکمیت و مدیریت جامعه اسلامی است؛ لذا منجر به شمول در دایره فقه می‌گردد.

خلق پول به‌عنوان غضب

برخی با برگزیدن تعریف صاحب جواهر از غضب^{۱۵} بیان کرده‌اند: خلق پول توسط بانک‌های تجاری غضب است؛ زیرا به نظر می‌رسد بانک‌ها ظلماً و عدواناً بر اموال مردم دست‌اندازی کرده و آن را مال خود نموده‌اند (عالی‌پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۵، ص. ۸۶). سپس ارکان چهارگانه غضب یعنی استیلاء بر مال غیر به نحو عدوان را بر خلق پول تطبیق می‌دهند؛ ذکر چند نکته اینجا ضروری است:

۱. لازم است به ماهیت رابطه سپرده‌گذاران با بانک (که پیش‌تر بیان شد) و تسهیلات گیران^{۱۶} در بانکداری و وام‌گیرندگان^{۱۷} بدون ربا توجه شود. در بانکداری بدون ربا، بانک تجاری یک مؤسسه انتفاعی است که باید برای سپرده‌گذاران و سهام‌داران (که مالک بانک هستند) سود حلال بسازد. چون بانک وکیل سپرده‌گذاران است، پس نباید وجوه آن‌ها را عاطل نگه دارد و باید در فعالیت‌های مشروع و قانونی سرمایه‌گذاری کند. همچنین مدیریت بانک به‌عنوان امین سهام‌داران بانک بالاترین کارایی را رقم بزند. بر مسیر آنچه تبیین کرده‌اند، وقتی قسط تسهیلات وارد بانک

می‌شود، این پول برای سپرده‌گذاران و سهام‌داران است و باید به نحو کارا سرمایه‌گذاری شود.

۲. بیان شده است که تصرف بانک تجاری، عدوانی است؛ زیرا بانک تجاری می‌داند نسبت به این مال، غیرمستحق است و امری موهوم را تملیک کرده است (عالی‌پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۵، ص. ۸۹). اولاً غیرمستحق بودن، ادعایی است که کلام در آن است و پرسش پژوهش‌ها در این باره است. به بیان دیگر، غیرمستحق بودن زمانی ثابت می‌شود که ادله آن را ثابت کند، نه اینکه هنوز ثابت نشده، خود دلیل واقع شود. ثانیاً، نفس خلق پول در نظام بانکی بدون ربا را باید از کژکارکردهای اجرایی آن‌که ناشی از عدم اجرای صحیح بانکداری بدون ربا است، جدا کرد.

۳. «بانک‌های تجاری در تعاملات مالی خود هرگز از این نوع پول‌ها استفاده نمی‌کنند بلکه تنها از ذخایر نزد بانک مرکزی بهره می‌برند... و عامه مردم در بازپرداخت این وجوه نه مشابه بانک‌ها و از روی کلاه‌برداری، بلکه با تلاش و دسترنج این مبالغ را فراهم می‌کنند و بانک‌ها در قبال تملیک هیچ به سپرده‌گذاران، حق دست‌اندازی به اموال ایشان را ندارند» (عالی‌پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۵، ص. ۸۹). اولاً پیش‌تر بیان شد که مسئله اضافه برداشت مسئله دیگری است. ثانیاً، اتهام کلاه‌برداری به بانک‌ها صرفاً یک ادعای بی‌دلیل است. ثالثاً، به رابطه حقوقی سپرده‌گذاران و بانک توجه نشده است (که پیش‌تر بیان شد).

به نظر می‌رسد عنوان غضب بر خلق پول صدق نمی‌کند.

قاعده لاضرر

قاعده لاضرر یکی از مشهورترین قواعد است که در سایر قواعد و ابواب فقهی نیز به آن استناد می‌شود. به اقتضای این قاعده، آن دسته از معاملات عقلایی که اصل معامله یا یکی از اوصاف معامله یا نبود شرطی در معامله منتهی به ضرر دیگری شود، از نظر شرع، حرام و ضمان آور است (موسویان، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۹). حال طبق این قاعده، آیا خلق پول موجب ضرر و اضرار و به تبع آن مشمول نهی شرع می‌شود یا خیر؟

به دلیل قهری نبودن علیت بین خلق پول و وجود ضررهای ناشی از آن، نمی‌توان خلق پول را ضرری دانست. خلق پول مانند استفاده از ابزارهایی است که ممکن است

منجر به ضرر شوند؛ برای مثال به مجرد کاربرد چاقو در قتل، حرمت استفاده از آن مستفاد نمی‌گردد؛ زیرا ممکن است چاقو برای بریدن میوه یا در عمل جراحی بدن انسان توسط پزشک استفاده شود. فایده و ضرر خلق پول نیز بستگی به دیگر شرایط اقتصادی، تنظیم‌گری^{۱۸} و نظارتی^{۱۹} دارد و نمی‌توان ضرر و ضرار را نتیجه طبیعی و ذاتی خلق پول در نظر گرفت.

قاعده اکل مال به باطل

معاملاتی که از دیدگاه عرف و عقلا یا از دیدگاه شرع اکل مال به باطل حساب شوند، حرام و باطل هستند (موسویان، ۱۳۹۱، ص. ۱۲۰). برخی (عالی‌پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۵) خلق پول را مضمول اکل مال به باطل دانسته‌اند. در ادامه استدلال ایشان و نکاتی پیرامون آن ذکر می‌شود:

۱. به قول انور استناد شده است: ناتوانی بانک‌ها در پاسخگویی به مشتریان در هجوم بانکی، مانع از بازگرداندن امانت است و در نتیجه اکل مال به باطل است (عالی‌پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۶، ص. ۸۱). در حالی که در قانون عملیات بانکی بدون ربا، رابطه سپرده‌گذار قرض‌الحسنه با بانک، قرض است و رابطه سپرده‌گذار حساب سرمایه‌گذاری، وکالت و شراکت با بانک است. توجه به ماهیت رابطه حقوقی سپرده‌گذار با بانک، به این استدلال را تضعیف می‌نماید؛ در سپرده‌های قرض‌الحسنه، با قرض دهی سپرده‌گذار به بانک، پول به بانک تملیک شده و نمی‌تواند اکل مال به باطل باشد. در سپرده‌های سرمایه‌گذاری، بانک وکیل و شریک سپرده‌گذار است و درست است که ید امانی دارد، اما طبق قرارداد و عرف وکالت باید وجوه را در پربازده‌ترین محل ممکن منطبق بر قانون و مقررات، سرمایه‌گذاری کند؛ در نتیجه اگر اقدام به تسهیلات دهی و سرمایه‌گذاری وجوه نکند، کوتاهی کرده است.

۲. استدلال شده که بانک‌ها یک سری اعداد موهوم، خیالی و پوچ را وام می‌دهند و این اکل مال به باطل است (عالی‌پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۶، ص. ۸۲). در بانکداری بدون ربا، اولاً بانک‌ها وام قرض‌الحسنه و تسهیلات اعطا می‌کنند و عنوان وام بر هر دو این‌ها صدق نمی‌کند؛ زیرا وام، قرض است و تسهیلات، قرارداد و ترتیبات دیگری دارد. ثانیاً، هر بانک باید از محل منابع خود اقدام به اعطای تسهیلات و وام‌دهی نماید؛

بله اگر حساب بانکی نزد بانک مرکزی، کسری پیدا کند و شامل اضافه برداشت شود، آن موضوع دیگری است و پژوهش دیگری می‌طلبد.

۳. فرآیند خلق پول، با توجه به اینکه منجر به تورم و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود، منجر به بازتوزیع درآمد گشته و ثروت حقیقی بخشی از مردم را به نفع بانک‌ها کاهش می‌دهد که اکل مال به باطل است (عالی‌پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۶، ص. ۸۶). اولاً ارتباط تورم و خلق پول نظام بانکی به نحو علت تامه، نیاز به بررسی جدی دارد. ثانیاً، کارکرد نظام بانکی جریان نقدینگی به بخش واقعی اقتصاد است و کنز کردن و انباشت ثروت، بدون اینکه منجر به ایجاد ارزش افزوده در اقتصاد شود، ممنوع است. اگر بنا باشد از منابع بانکی، تسهیلات بهینه اعطا نشود، بانک کارایی خود را از دست خواهد داد و سپرده‌ها به صورت راکد در بانک تجمع می‌شوند. دقت شود، خلق پول در نظام بانکی، نتیجه و فرع بر اعطای تسهیلات است؛ نه غرض اولیه از نظام بانکی.

در مجموع به نظر می‌رسد خلق اعتباری که به صورت طبیعی در نظام بانکی از تسهیلات دهی ناشی می‌شود، اکل مال به باطل نیست؛ اما بانک‌ها باید ریسک نقدینگی^{۲۰} خود را مدیریت نمایند تا در صورت مراجعه مشتریان برای بازپس‌گیری وجوه، در مانده^{۲۱} نباشند و نهاد ناظر بر نسبت کفایت سرمایه^{۲۲} دقت و نظارت کافی را داشته باشد. همچنین اگر تسهیلات پس از اعتبارسنجی و امکان‌سنجی دقیق به‌طور کارا به بخش واقعی و تولیدی اقتصاد جریان یابد، خود منجر به رشد تولید شده و در نتیجه اثر تورمی کاهش یافته و حتی خنثی خواهد شد.

قاعده احترام مال مسلم

معنای لغوی احترام، منع و محرومیت است و در اصطلاح یعنی اصل در اموال و منافع این است که بدون اذن صاحبش از تحت اختیار او خارج نشود و کسی بدون رضایت او در آن مال تصرف نکند (تسخیری، ۱۳۹۲، ج ۲، ص. ۲۸-۱۹). مقصود از احترام مال مردم، مصونیت اموال آنها از تصرف و تعدی است؛ بدین معنا که اولاً تعدی و تجاوز نسبت به آنها جایز نیست و ثانیاً در فرض تعدی و تجاوز، متجاوز، مسئول و ضامن است. در بررسی خلق پول طبق این قاعده، خلق پول منافع عیان را به خطر می‌اندازد. اما بیان شد که اضرار فرآیند خلق پول، به صورت قطعی نیست و متوقف بر نبود شرایط

خلق پول مفید است. ممکن است خلق پول مفید باشد یا به خلق پول مضر منجر شود. کاهش ارزش پول نیز ممکن است منجر به اضرار مردم شود و ممکن است موجب افزایش تراز تجاری، افزایش اشتغال و کاهش کسری بودجه شود و به آنها سود برساند. ذوالنور و دره شیری (۱۳۷۹) بیان می‌کنند اجرای سیاست کاهش ارزش رسمی پول داخلی، باعث افزایش سطح تولید واقعی، افزایش سطح اشتغال و کاهش کسری بودجه در کوتاه‌مدت برای کشور می‌شود که این امر، به معنی سودمند بودن سیاست کاهش ارزش پول برای کشور است. بنابراین خلق پول لزوماً موجب تداخل در مالکیت مال مسلمان نمی‌شود و در صورت نبود شرایط برای استفاده از خلق پول و وقوع عوامل لازم، کاهش ارزش پول اتفاق می‌افتد.

قاعده اتلاف

قاعده اتلاف بیان می‌کند اگر شخصی مال دیگری را بدون اذن و رضایت او تلف سازد، این مال به وجود اعتباری خود در عهده و ضمان وی قرار گرفته و باید از عهده آن بیرون آید؛ بدین صورت که در مثلیات پرداخت مثل و در قیمیات پرداخت قیمت بر او واجب است (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص. ۱۷۲۲).

در نگاه اول به نظر می‌رسد خلق پول و ایجاد هزینه‌های تبعی آن باعث می‌شود ثروت مردم تلف شوند و در نتیجه مردم راضی نیستند؛ بنابراین خلق پول مجاز نیست. به عبارت دیگر، در صورت اتلاف مثلی و قیمی مال شخصی، لازم است تا جبران شود. در مبحث خلق پول، محل شبهه در مثلی یا قیمی بودن پول و کالای دچار افت ارزش نیست؛ بلکه در اتلاف مال قیمت (پول) است که با توجه به اینکه علیت برای این پدیده، اثبات نشده است، قابل اعتنا نیست. بنابراین اگر اثبات شود خلق پول منجر به اتلاف مال مردم شده، خالق پول ضامن خواهد بود و تاکنون که خلق پول لاجرم منجر به اتلاف مال کسی نمی‌گردد و صرفاً محتمل است، ضامن نخواهد بود.

قاعده اقدام

قاعده اقدام بیان می‌کند هر کس به ضرر خود نسبت به مال خود اقدامی کند، در مورد اقدام وی کسی به نفع او ضمان قهری یا مسئولیت مدنی ندارد؛ چنان که در مقبوض به عقد فاسد که مالک، اذن در تصرف در مال خود را به طرف دیگر عقد داده است،

هرگاه مال مزبور بعد از قبض خود به خود تلف شود یا قبض کننده آن را تلف کند یا منتقل به ثالث نماید در مقابل مالک مسئولیتی نخواهد داشت، زیرا مالک از طریق اقباض مال خود (هرچند که در ضمن عقد فاسد باشد) مبادرت به ضرر خود نموده و قانون از چنین کسی حمایت نمی‌کند (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص. ۹۳).

با وجود علم به وجود تورم در اقتصاد و کاهش ارزش پول بلااستفاده، هرگونه تبعات بر عهده نگه‌دارنده پول خواهد بود. بله این مجوزی برای چشم‌پوشی از کژکارکرد نظام بانکی در جهت کاهش ارزش پول نیست؛ نظام بانکی باید خلق پول را طوری تنظیم نماید که حداکثر منفعت و حداقل عوارض جانبی را داشته باشد. اما اشخاص نیز با افزایش سواد مالی^{۲۳} می‌توانند با سرمایه‌گذاری پول و به جریان انداختن پول و راکد نگه نداشتن آن، خود را از این آسیب، مصون بدارند.

۲-۲-۳. خطوط راهنمای اقتصاد اسلامی درباره خلق پول

۲-۳-۱. معیار حق

بانک‌ها، جزو نظام پولی اقتصاد هستند. یکی از ویژگی‌های سیستمی نظام پولی اقتصاد اسلامی، ابتناء روابط پولی بر معیار «حق» است (عیوضلو، ۱۳۸۷، ص. ۳۸). بر اساس معیار حق، اگر بانک بخواهد از هیچ و بدون اینکه وجهی در اختیار داشته باشد به دیگری وام [و تسهیلات] بدهد و بعد به جذب سپرده یا تأمین وجه از روش‌های مختلف اقدام کند، جایز نیست؛ زیرا این عمل بر امر حقیقی انتساب ندارد. اما بانک می‌تواند منابعی را که در اختیار دارد، در پروژه‌های گوناگون به کار گیرد. تمام وجه یک پروژه به هیچ وجه به‌طور کامل و در شروع پروژه پرداخت نمی‌شود؛ از این رو، بانک با جذب سپرده و مدیریت نقدینگی می‌تواند بر تخصیص این وجوه، مدیریت مناسبی اعمال کند و هم‌زمان وجه لازم برای یک پروژه را در چند پروژه به کار گیرد و از این محل در بخش واقعی اقتصاد، ارزش افزوده خلق کند^{۲۴}. به بیان دیگر، بانک با توانایی منحصر به فردی که دارد می‌تواند به خلق ارزش افزوده حقیقی در اقتصاد واقعی کمک کند و به «قوام» اقتصادی قیام کند. این کار نه تنها مشکل شرعی ندارد بلکه امر لازمی است و واجب است بر نهادی که این توانمندی و اعتبار را دارد (عیوضلو و کریمی‌ریزی، ۱۳۹۷، ص. ۲۳).

۲-۲-۳. معیار قوام

نظام پولی اسلامی باید با فلسفه کلی نظام اقتصاد اسلامی تطابق داشته باشد. معیار اصلی در استخراج و بهره‌برداری از اموال، بهره‌برداری عاقلانه و در موضع «قوام» از آن‌هاست.^{۲۵} قوام یعنی آنچه موجب ایستادگی و سبب پایداری، استواری و سامان‌یابی است. موضع قوام یعنی موضع مناسب برای رسیدن به اثرهای مفید همه چیز (عیوضلو، ۱۳۸۷، ص. ۳۹).

دلالت‌های معیار قوام درباره خلق پول چنین است: اولاً خلق پول در نظام بانکی نباید به‌گونه‌ای باشد که قوام اقتصاد متزلزل شود. کاهش ارزش پول، بر قوام نظام اقتصادی اثر سوء دارد. پولی که بناست وسیله سنجش باشد، نباید ارزش خودش نوسانات قابل ملاحظه پیدا کند.^{۲۶} بدیهی است در این صورت، قوام و پایداری نظام اقتصادی مخدوش می‌شود. ثانیاً، اگر خلق پول از هیچ و باطل نباشد بر اساس معیار حق باشد- می‌تواند با ایجاد ارزش‌افزوده در اقتصاد واقعی، موجب قوام اقتصاد شود و پسندیده است.

۲-۳-۳. معیار عمران و آبادانی

یکی از اهداف اقتصاد اسلامی عمران و آبادانی زمین است و بالتبع کارکرد نظام پولی-بانکی اسلامی باید در این جهت باشد. «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱). اگر خلق پول بر اساس حق و توان واقعی و طبیعی بانک باشد، می‌تواند موجب رشد تولید، رشد اقتصادی و عمران و آبادانی زمین شود.

۲-۳-۴. ممنوعیت کنز

«وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه: ۳۴)؛ و کسانی که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) می‌سازند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده. طلا و نقره، ویژگی خاصی در جهت حرمت کنز کردن ندارند؛ در نتیجه با الغاء خصوصیت، انباشت ثروت و مال و راکد نگه داشتن آن در اقتصاد اسلامی، ممنوع است. به نظر می‌رسد در کل نظام اقتصادی اسلامی و بالتبع نظام پولی-بانکی اسلامی، مال و ثروت باید جریان داشته باشد و یکجا انباشت

نشود؛ بلکه با اعطای تسهیلات، موجب خلق ارزش و پیشرفت اقتصادی گردد. خلق پول نیز اثر طبیعی تسهیلات دهی است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تاکنون قضاوت واحدی پیرامون اثرات قطعی خلق پول در اقتصاد شکل نگرفته و اندیشمندان اقتصادی به نظر واحدی درباره فواید و مضرات خلق پول نرسیده‌اند؛ اما بالاتفاق، منتقدان و حامیان خلق پول و بخصوص نظریه‌پردازان نرخ ذخیره جزئی، خلق پول را از نتایج طبیعی بانکداری متعارف می‌دانند؛ یعنی خلق پول از لوازم لاینفک بانک مدرن و امروزی است.

خلق پول توسط بانک مرکزی و بانک‌های تجاری، فواید و عوارض گوناگونی برای خالقان آن و اقتصاد به همراه دارد. این پدیده باعث جبران کسری بودجه دولتی، جریان انداختن تولید و محرکی برای اقتصاد در رکود است. افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و باز توزیع مالکیت به سمت خالقان پول، می‌توانند از عوارض خلق پول باشد.^{۲۷}

به نظر می‌رسد خلق پول به‌خودی‌خود، برای اقتصاد مشکلی ندارد و مانند تیغ دو لبه است^{۲۸}؛ زیرا در برخی کشورهای توسعه‌یافته مبتنی بر ذخیره جزئی و علی‌رغم وجود خلق پول، رکود و تورم گریبان‌گیر اقتصاد آن‌ها نیست. در نتیجه ماهیت خلق پول، شامل قاعده «لا ضرر و لا ضرار» نمی‌شود.

خلق پول باید منضبط، حساب شده و تحت اشراف بانک مرکزی باشد. اگرچه ادعا می‌شود با ورود پول جدید از طریق بانک و در صورت ثبات سایر شرایط، تورم ایجاد شده و در نتیجه مالکیت دارایی‌های واقعی از مردم به سمت خالق پول (بانک مرکزی و بانک تجاری) منتقل می‌شود. بنابراین خلق پول فی‌نفسه یک پدیده اقتصادی ناشی از ماهیت بانک و پول اعتباری است. بانک و پول مانند سایر پدیده‌ها، آثار متفاوتی دارند. یکی از این آثار تورم است و ممکن است خلق پول علت معده برای تورم، نوسانات اقتصادی و اضرار به مردم باشد. اما تاکنون اندیشمندان آن را به‌عنوان علت تامه تورم تشخیص نداده‌اند.^{۲۹} خلق پول ممکن است در کنار ابزارها و سیاست‌های ناصحیح پولی، تصمیمات نابجای مدیریتی، غرض‌ورزی سیاسی و... منجر به تورم شود. از طرف دیگر در صورت وجود بازارهای قوی مالی در کنار نظام بانکی و جذب اعتبارات ایجاد

شده در بخش واقعی اقتصاد، خلق پول می‌تواند به افزایش تولید بیانجامد. به نظر می‌رسد از منظر فقه امامیه و اقتصاد اسلامی، مادامی که خلق پول بر اساس حق و در خدمت قوام، رشد تولید اقتصاد واقعی و عمران و آبادانی قرار بگیرد، مجاز است. راهکار پیشنهادی برخی از منتقدین خلق پول، نظام ذخیره قانونی ۱۰۰ درصد، به جای نظام ذخیره جزئی، بازگشت به نظام مبتنی بر طلا و انحلال نهادهای پول و بانک است. با حذف بانک، کلیه اعتبارات و بدهی‌های بدون پشتوانه حذف شده و مسئله خلق پول منحل می‌گردد. راهکار ریشه‌ای‌تر، حذف نهاد پول از اقتصاد است. در این صورت بانک و خلق پول، توأمأً منحل می‌شوند. در حالی که امروزه پول و بانک، کارکردهای مهمی در اقتصاد دارند.

به نظر می‌رسد افرادی چون دلالی و جارحی، با نقد نظام بانکی کنونی تمایل به بازگشت به نظام‌های سنتی و بر پایه طلا دارند. البته به اذعان آن‌ها، هزینه فراوان، کمبود منابع فلزات گران‌بها^{۳۰}، حجم بالای نقدینگی کنونی عملاً استقرار آن الگوها را غیرممکن می‌سازد.

نظامات بانکی کنونی دنیا مبتنی بر ذخیره جزئی است که سرعت خلق پول بالایی دارد. در واقع با اعتباری شدن پول، سرعت گردش پول در نظام بانکی مبتنی بر ذخیره جزئی افزایش یافته و بانک مرتباً تسهیلات اعطا کرده، در سرمایه‌گذاری‌های زیادی مشارکت داشته و سود دریافت می‌کند. به عبارت دیگر، کارکرد محوری و واسطه‌گری مالی بانک باعث می‌شود افراد برای سرمایه‌گذاری به بانک مراجعه کنند. بانک با توجه به منابعی که در اختیار دارد باید اقدام به تسهیلات دهی کند، پس اشکالات اکل مال به باطل و غصب، وارد نیست^{۳۱}. اگر در مقام اجرا، بانک دچار کسری منابع شود و در اصطلاح، حسابش نزد بانک مرکزی منفی شود، می‌تواند از بازار بین بانکی^{۳۲}، تأمین مالی کرده و کسری خود را جبران نماید و اگر کسری خود را جبران نکند، توسط بانک مرکزی جریمه می‌شود.

بانک باید جریان مالی به بخش واقعی را تسهیل کند. به بیان شهید صدر، در صورت پیاده‌سازی کامل عقود و قراردادهای اسلامی مانند مضاربه در معاملات بانکی و

به‌کارگیری صادقانه سرمایه در بخش واقعی اقتصاد، خلق پول مضر نیز از بین خواهد رفت و از منظر شرع، مخالفتی وجود نخواهد داشت^{۳۳}.

خلق پول، پدیده طبیعی ناشی از حضور پول مدرن و بانک در اقتصاد است. پول و خلق پول، در صورت وجود سازوکار مناسب برای جذب اعتبار از بخش پولی و مالی به بخش واقعی اقتصاد و تولید، وجود مکمل‌های پر قدرت مالی مانند بازار سرمایه کاراً و همچنین استقرار اخلاق اسلامی در جامعه اقتصادی و پرهیز از سفته‌بازی و کار کردن پول، در خدمت اقتصاد و تولید قرار خواهند گرفت. همچنین، اعطای تسهیلات کارا به بخش تولیدی و عدم انباشت ثروت، در جهت ممنوعیت کنز کردن در اسلام است. اما در صورتی که شرایط، ساختارها، تنظیم‌گری‌ها، نظارت‌ها و سازوکارهای لازم پیش‌بینی نشود، خلق پول توسط نظام بانکی می‌تواند به اضرار، بی‌ثباتی اقتصادی، عدم ایفای تعهد و اکل مال به باطل منجر شده و مانع تحقق اهداف نظام پولی - مالی اسلامی مانند عمران و آبادانی، عدالت، رشد اقتصادی، قوام اقتصادی و تثبیت قیمت‌ها شود. از این‌رو نهادهای سیاست‌گذار، تنظیم‌گر و ناظر در جهت‌دهی به خلق پول، کارکرد ویژه‌ای خواهند داشت.

یادداشت‌ها

۱. اخیراً Cyptocurrency - به معنی رمزارزها و رمزینه‌ها - به‌عنوان پول در حال مطرح شدن هستند؛ اما در تبیین ماهیت آن به‌عنوان پول یا کالا و کالای سرمایه‌ای و مالیت داشتن آن، اختلاف نظر وجود دارد.

2. Financial Intermediation Theory Of Banking
3. Intermediation Of Loanable Funds (ILF)
4. Fractional Reserve Theory Of Banking
5. Deposit Multiplier (DM)
6. Credit Creation Theory Of Banking
7. Financing Through Money Creation (FMC)
8. Negotiable Certificate Of Deposit (NCD)
9. Base Money
10. C: currency
11. R: reserve
12. Open Market Operations (OMO)
13. Additional loans

14. Modern Islamic State

۱۵. استیلا بر حق غیر به غیر حق، غصب است. با آوردن قید «استیلا» به جای استقلال (بر خلاف سایر تعاریف فقها) کسانی را که مشارکت در غصب داشته‌اند، شامل شده و «حق»، اعم از عین و منافع است که کامل‌تر است و قید «به غیر حق»، عمل غیر عدوانی را نیز شامل می‌شود (نجفی، ۱۳۷۴، ج ۲۶، ص. ۱۲).

۱۶. بر اساس قراردادهای مبادله‌ای مانند مباحه، اجاره و اجاره به شرط تملیک یا قراردادهای مشارکتی مانند مضاربه و مشارکت.

۱۷. بر اساس قرارداد قرض‌الحسنه

18. Regulation

19. Supervision

20. Liquidity Risk

21. Insolvency

22. Capital Adequacy Ratio

3. Financial Literacy

۲۴. اینکه برخی نفس خلق پول را اکل مال به باطل، غصب و حرام دانسته‌اند، ممکن است ناشی از مشتبه شدن دو نوع خلق پول که در اینجا بیان شد، باشد.

۲۵. «و لا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ اَمْوَالِكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نساء: ۵)

۲۶. امام سجاد (ع) درباره مال می‌فرماید: «و لا تُحَرِّفْهُ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ لا تَصْرِفْهُ عَنْ حَقَائِقِهِ» (حرانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۹۱)؛ و مال را از موضع و جایگاه (بایسته‌اش) منحرف نکن و از حقیقت ماهوی آن خارج نساز.

۲۷. از برخی نقدهای اندیشمندان اسلامی بر خلق پول، استنباط می‌شود آن‌ها تنها عامل تورم در اقتصاد را خلق پول دانسته‌اند. در حالی که اولاً در واقع این‌طور نیست و نظریات اقتصادی متفاوتی درباره علت تورم وجود دارد. ثانیاً، در نتیجه تورم ناشی از خلق پول، فوایدی مانند افزایش درآمد دولت و افزایش تولید نیز اتفاق می‌افتد که اثرات منفی را (در فرض وقوع) جبران می‌کند.

۲۸. اثرات دوگانه خلق پول، مانند استفاده از ابزاری مانند چاقوست. ممکن است چاقو در دست جراح حاذق، باغبان دلسوز یا آشپز ماهر باشد و با استفاده از آن منافع زیادی ایجاد کرد. صرف استفاده از چاقو، منجر به اضرار دیگران نمی‌شود، بلکه در صورت ایجاد شرایط مختلف

از جمله، تماس مستقیم با بدن، وجود نیروی کافی، تیزی مکفی، فقدان تدبیر و دفاع از سوی سمت مقابل و... منجر به ایجاد جراحت یا نهایتاً قتل می‌شود. نمی‌توان به دلیل یک استفاده نابجا، از کلیه خاصیت‌های آن اجتناب کرد و فتوا به حرمت استفاده از آن داد.

۲۹. به نظر می‌رسد خلق پول حتی اگر شراکت در اضرار نیز داشته باشد، ضمان آور باشد.

۳۰. علاوه بر مکفی نبودن حجم ذخایر طلا، کل حجم ذخایر فلزات گران‌بها مانند نقره و پلاتین نیز کفاف پشتیبانی از نقدینگی کنونی را نمی‌دهد.

۳۱. در اینجا به بحث نظری در چارچوب بانکداری بدون ربا پرداخته شده است. حال اینکه آیا بانک‌ها واقعاً در عمل این امور را رعایت می‌کنند یا خیر، موضوع دیگری است که نیاز به بررسی دارد.

۳۲. بررسی مشروعیت عملیات بازار بین بانکی آن‌چنان که در واقع اتفاق می‌افتد، مسئله‌ای قابل بررسی و خارج از این مقاله است.

۳۳. همان‌طور که تفصیل داده شد، برخی این بیان شهید صدر را ناظر به بانکداری دولتی می‌دانند، نه خصوصی. این موضوع شایسته بررسی است که آیا خصوصی و دولتی بودن بانک، می‌تواند معیاری برای تفاوت در حکم خلق پول توسط بانک باشد یا خیر؟ این سؤال با مذاقه در ماهیت پول در اقتصاد کلان، جدی‌تر می‌شود.

کتابنامه

قرآن کریم

باستانی فر، ایمان؛ حیدری، محمدرضا؛ و مقدم، وحید (۱۳۹۵). الگوی خلق اعتبار در بانکداری اسلامی متأثر از اندیشه شهید صدر (ره). *اقتصاد اسلامی*، ۱۶(۶۱)، ۱۳۷-۱۵۵.

بجنوردی، سید حسن (۱۳۷۷). *القواعد الفقہیہ*. قم: نشر الهادی.

بجنوردی، سید محمد (۱۴۰۱ق). *قواعد فقہیہ*. تهران: موسسه عروج.

بخشی دستجردی، رسول؛ و دلالی اصفهانی، رحیم (۱۳۹۱). *آسیب شناسی نظریه بهره و نظام بانک داری متعارف*. یزد: دانشگاه یزد.

ترکمانی، عدنان خالد (۱۴۰۹ق). *السیاسه النقدیه و المصرفیه فی الاسلام*. بیروت: مؤسسه الرساله.

- تسخیری، محمدعلی (۱۳۹۲). *القواعد الاصولیه و الفقهیہ علی مذهب الامامیه*. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- توتونچیان، ایرج (۱۳۷۴). *ارزیابی پایه‌های نظری عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران*. تهران: مؤسسه عالی بانکداری.
- توتونچیان، ایرج (۱۳۷۹). *پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری*. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری توانگران.
- جارجی، معبد (۱۹۸۰م). *نحو نظام نقدی و مصرفی اسلامی*. قاهره: الاتحاد الدولی للبنوک الاسلامیه.
- حرانی، حسن بن علی (۱۳۹۴ق). *تحف العقول*. قم: انتشارات بصیرتی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ذالنور، سیدحسین؛ و دره شیری، محمدرضا (۱۳۷۹). *کاهش ارزش پول، تورم و تولید واقعی: یک الگوی شبیه سازی در مورد اقتصاد ایران*. تهران: پژوهشکده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- شعبانی، احمد (۱۳۹۲). *بانکداری اسلامی: رویکردی اقتصادی فقهی*. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- صدر، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *الاسلام یعود الحیاه*. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- صدر، محمدباقر (۱۴۱۰ق). *البنک اللاربوی فی الاسلام*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- صدر، محمدباقر (۱۴۲۱ق). *الاسلام یعود الحیاه، المدرسه الاسلامیه، رسالتنا*، قم: مرکز الابحاث والدراسات التخصصیه للشهید الصدر.
- صمصامی، حسین؛ داوودی، پرویز؛ و جهانی گوروان، جلال (۱۳۹۳). *هزینه های خلق پول در نظام بانکداری متعارف و راهکارهای تأمین مالی اسلامی*. *فصلنامه پژوهش اقتصادی*، ۱۴(۵۵)، ۱۰۳-۷۱.
- عالی‌پناه، علیرضا؛ و تاج‌لنگرودی، محمدحسن (۱۳۹۶). *بررسی فقهی خلق پول به وسیله بانک‌های تجاری*. *پژوهش‌نامه میان‌رشته‌ای فقهی*، ۱۰(۵)، ۶۵-۹۴.
- عمید، حسن (۱۳۴۳). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: انتشارات ابن‌سینا.

عیوضلو، حسین (۱۳۸۷). اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۹(۲۹)، ۳۵-۶۱.

عیوضلو، حسین؛ و کریمی‌ریزی، مجید (۱۳۹۷). اصول موضوعه و راهبردهای بانکداری اسلامی در چارچوب نظام اقتصادی اسلام. *اقتصاد اسلامی*، ۱۸(۷۱)، ۵-۳۳. قحف، منذر (۱۹۷۹م). *الاقتصاد الاسلامی*. کویت: دار القلم.

کیمجانی، اکبر؛ ابریشمی، حمید؛ و روحانی، سید علی (۱۳۹۷). ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی؛ نقد دیدگاه‌های رایج و دلالت‌ها. *جستارهای اقتصادی*، ۱۵(۲۹)، ۹-۳۸. مجتهد، احمد؛ و حسن زاده، علی (۱۳۸۰). *پول و بانکداری و نهادهای مالی*. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.

معین، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: نشر زرین.

موسویان، سید عباس (۱۳۸۲). انواع بانکهای بدون ربا. *اقتصاد اسلامی*، ۳(۱۱)، ۴۹-۷۸.

موسویان، سید عباس (۱۳۹۱). *بازار سرمایه اسلامی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

موسویان، سید عباس؛ و میثمی، حسین (۱۳۹۳). *بانکداری اسلامی؛ مبانی نظری-تجارب عملی*. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

نجفی، محمد حسن (۱۳۷۴). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. قم: دار الکتب الاسلامیه.

نظریپور، محمدنقی؛ و یوسفی، محمد رضا؛ و حقیقی، میثم (۱۳۹۱). امکان سنجی اجرایی گواهی سپرده قابل معامله به عنوان ابزار عملیات بازار باز در نظام بانکداری بدون ربا. *پژوهشهای اقتصادی ایران*، ۱۷(۵۳)، ۱۵۹-۱۸۵.

Allen, Larry (2009). *The Encyclopedia of Money*. Library of Congress Cataloging in Publication Data.

Blanchard, Olivier (2017). *Macroeconomics*. Pearson publication.

Kent, Raymond P. (1966). *Money and Banking*. Holt -Rinehart and Winston Inc., printed in the United States of America.

Mishkin, Frederic S. (2009). *The Economics of Money, Banking, and Financial Markets*. Boston: Addison-Wesley.

Siddiqi, Muhammad Nejatullah (1983). *Banking Without Interest*. London: the Islamic foundation.

Werner, Richard A (2014). Can Banks Individually Create Money out of nothing? - The Theories and the Empirical Evidence, *International Review of Financial Analysis*, (36), 1-19.